

**The use of secrecy in the social life of Imam Sadiq (a.s.) in order to protect Shiites
from social harm Relying on the narrations of the book Wasael al-Shia**

Safar Ali Qanouni¹ | Nematullah Safari Forushani^{2}*

(DOI): [10.22034/SKH.2023.13933.1317](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.13933.1317)

Original Article

P 98 - 119

Abstract

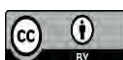
One of the dimensions of the life of Imam Sadiq (a.s.) is his social life with the Shiites. In the course of his association with the Shias, Imam (a.s.) dealt with their social pathology and in order to protect the Shias from such harms, with the use of secrecy and taqiyyah and hiding the secret, he acted on the principles and solutions and the effects and consequences of these harms. This article is responsible for the role of secrecy in the social life of Imam Sadiq (a.s.) in order to protect Shiites from social harms by relying on the narrations of the Book of Wasael al-Shia. For this purpose, with the descriptive-analytical method and with reference to historical-narrative sources, the social pathology of Shiites has been discussed and then, we have discussed the needs, solutions and consequences. The examination and analysis of the narrations of Taqiyyah, Concealment of Secrets, and Broadcasting from the Book of Wasael al-Shi'a by Sheikh Hurr Amili (1104 AH), showed that some of the social harms of Shiites are: lack of unity and peaceful coexistence between Muslims, lack of capacity of companions and lack of secrecy of companions which Imam Sadiq (a.s.) identified these harms with the strategy of secrecy, and proceeded to remedy them in order to preserve the Shiites.

Keywords: Imam Sadiq (AS), secrecy, social life, Shiites, social harms.

1 - Assistant Professor, Golpayegan Islamic Azad University, Golpayegan, Iran (ganon1356@gmail.com)

2 - Ahl al-Bayt History Group, Islamic Civilization and History Complex, Al-Mustafi (PBUH) Al-Alamiya University, Qom, Iran (nematollah_safari@forushani@miu.ac.ir)

Received: 2022/06/18 | Accepted: 2022/09/06



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

کاربست رازداری در سیره معاشرتی امام صادق (ع) در راستای حفظ شیعیان از آسیب‌های اجتماعی

با تکیه به روایات کتاب وسائل الشیعه

صفر علی قانونی (نویسنده مسئول)^۱ | نعمت‌الله صفری فروشانی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2023.13933.1317](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.13933.1317)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۱۹/۹۸

چکیده

یکی از ابعاد سیره امام صادق (ع)، سیره معاشرتی حضرت با شیعیان است. امام (ع) در سیره معاشرتی خود با شیعیان، به آسیب‌شناسی اجتماعی آنان پرداخت و در راستای حفظ شیعیان از چنین آسیب‌هایی، با کاربرت رازداری و تقیه و کتمان سر، به بایسته‌ها و راهکارها و آثار و پیامدهای این آسیب‌ها اقدام نمود. این نوشتار، عهده‌دار نقش رازداری در سیره معاشرتی امام صادق (ع) در جهت حفظ شیعیان از آسیب‌های اجتماعی با تکیه به روایات کتاب وسائل الشیعه است. برای این هدف، با روش توصیفی - تحلیلی و با ارجاع به منابع روایی - تاریخی، به آسیب‌شناسی اجتماعی شیعیان پرداخته شده و سپس، به بایسته‌ها و راهکارها و پیامدها پرداخته‌ایم. بررسی و تحلیل روایات باب تقیه، کتمان سر و اذاعه از کتاب وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ق)، نشان داد برخی از آسیب‌های اجتماعی شیعیان، عبارت است از: عدم وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان، عدم ظرفیت اصحاب و عدم رازداری اصحاب که امام صادق (ع) با شناسایی این آسیب‌ها با راهبرد رازداری، به رفع و درمان در جهت حفظ شیعیان پرداخت.

واژگان کلیدی: امام صادق (ع)، رازداری، سیره معاشرتی، شیعیان، آسیب‌های اجتماعی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان، گلپایگان، ایران (ganon1356@gmail.com)

۲. گروه تاریخ اهل بیت، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران

(nematollah_safariforushani@miu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵



مقدمه

سیره امام صادق(ع)، دارای ابعاد گوناگون: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و سیره اجتماعی حضرت نیز دارای ابعاد مختلفی بوده که یکی از این ابعاد، سیره معاشرتی ایشان با شیعیان خاص است حضرت در بخشی از سیره معاشرتی خود، به رازداری پرداخته و با این روش، به آسیب‌شناسی اجتماعی شیعیان، بایسته‌ها، راهکارها و پیامدها اقدام نموده است. از همین رو، رازداری در سیره معاشرتی حضرت، ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده و در باره رازداری، تقیه، کتمان سر و اذاعه، بیشترین روایات از ایشان نقل شده است؛ به‌عنوان نمونه، تعداد روایات رازداری، تقیه، کتمان سر و اذاعه کتاب وسائل الشیعه تألیف شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ق) که به‌طور مستقیم از هشتاد کتاب اصول اصحاب ائمه، و به‌طور غیرمستقیم از نودوشش منبع روایت نموده، به ۱۴۵ روایت رسیده است. از این مقدار، ۸۱ روایت از امام صادق(ع) صادر شده که ۳۴ مورد آن، در حوزه معاشرت امام صادق(ع) با شیعیان خاص بوده است. از این رو، نگارنده با فرض صدور و صحت این تعداد از روایات کتاب وسائل الشیعه در ارتباط معاشرتی با شیعیان، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع روایی-تاریخی، در پی بررسی نقش رازداری در سیره معاشرتی امام صادق(ع) در جهت حفظ شیعیان از آسیب‌های اجتماعی است. سپس، به بایسته‌ها، راهکارها و آثار و پیامدها می‌پردازد.

در ارتباط با این موضوع، هیچ‌گونه تألیفی یافت نشد؛ هرچند به‌صورت پراکنده و موردی می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد؛ به‌عنوان مثال، مقاله‌ای با عنوان «ائمه(علیهم‌السلام) و رازداری» نوشته حسن عاشوری لنگرودی. در این مقاله، بدون اینکه به آسیب‌شناسی اجتماعی شیعیان بپردازد، تنها به رازداری برخی اصحاب امام صادق(ع) اشاره کرده است؛ از جمله: زرارۀ بن‌اعین، معلی بن‌خنیس، نصر بن‌قابوس لخمی از وکلا و کارگزاران حضرت که رازداری آنان موجب حفظ جان‌شان شد. مقاله بعدی، «راهبردهای اجتماعی امام صادق(ع) برای ایجاد همگرایی اسلامی» اثر حمیدرضا مطهری و مصطفی نادری است. در این مقاله، تنها به مهم‌ترین راهبردهای اجتماعی امام صادق(ع) برای ایجاد انسجام اسلامی پرداخته شده؛ بدون اینکه به نقش رازداری در سیره معاشرتی حضرت اشاره کند. مقاله دیگر با عنوان «اقدامات امام صادق(ع) در جهت رفع آسیب‌های فرهنگی شیعیان با تکیه به روایات تقیه»، تألیف صفرعلی قانونی و نعمت‌الله صفری است؛ چنان‌که از عنوان مقاله پیداست، در این مقاله، فقط به آسیب‌شناسی فرهنگی شیعیان، آن‌هم با توجه به روایات تقیه پرداخته شده است. در مقاله «تأملی در سیره اجتماعی امام صادق(ع)» تألیف علی جواهر دهی نیز نویسنده صرفاً به درمان بخشی از آسیب‌های اجتماعی که مربوط به عموم جامعه است، اشاره نموده است.

مفهوم‌شناسی واژگان

- کتمان سر یا رازداری: یکی از واژگانی که در اینجا باید توضیح داده شود، «رازداری» است که در لغت، به معنای: حفظ سر، نگهداری، امانتداری، پنهانی و پوشیدگی است. در اصطلاح نیز به معنای مخفی کردن عمدی اطلاعات از دیگران آمده و دارای سه ویژگی: اجتماعی بودن، آگاهانه بودن و فعالانه بودن است (داعی‌الاسلام: ۴۰/۲). بر این اساس، راز، موضوعی است که حداقل یک نفر آگاهانه آن را حداقل از یک نفر دیگر پنهان می‌کند. بنابراین، رازداری، موضوعی اجتماعی است که به واسطه آن، اطلاعات خاصی از عده‌ای از افراد پنهان می‌شود و تنها گروه خاصی از افراد می‌توانند از آن آگاه شوند.

نگارنده در این مقاله، رازداری را مترادف کتمان سر، ستر و بطانه و تقیه قرارداده است، از این رو «کتمان» اسم مصدر عربی به معنای پنهان داشتن چیزی یا امری است (عمید: ۲۴۰). همچنین به معنای پوشیده داشتن سخن و پنهان کردن است (راغب اصفهانی: ۴۲۵). تقیه نیز در لغت به معنای صیانت و نگه‌داری (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق: ۳۷۷/۱۵؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۵۶۸)، در اصطلاح عبارت است از مخفی کردن حق و مخفی نگاه‌داشتن اعتقاد به حق و همچنین پرده‌پوشی از مخالفان و اینکه در مقابل آنان کاری را که به دین یا دنیای انسان ضرر می‌رساند انجام داده نشود (شیخ مفید، ۱۳۱۷ق: ۶۶).

- سیره: «سیره»، در لغت از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه «سیره»، به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیئت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۹۹/۶). در اصطلاح، به آن بخش از رفتار و روش عملی هر شخص گفته می‌شود که از حالت وحدت و یک‌بار یا چند بار محدود انجام گرفتن بیرون آمده باشد و به مرحله تکرار و مداومت رسیده باشد و به صورت یک سبک و متد درآمده باشد.

- معاشرت: «معاشرت»، به معنای: مصاحبت و مخالطه (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۰/۵)، تبادل افکار و زندگی اجتماعی و همچنین به معنای شایسته رفتار کردن در تمام امور زندگی با مردم است؛ چنان‌که مراد قرآن نیز همین معناست (نساء، آیه ۱۹).

آسیب‌شناسی اجتماعی شیعیان

سیره معاشرتی امام صادق (ع)، دارای ابعاد گسترده‌ای بوده است؛ چراکه ارتباط امام (ع)، تنها با اصحاب و شیعیان و یاران خاص نبوده است؛ بلکه امام (ع) با مسلمانان و غیرمسلمانان و حتی زنداقه

و ملحدان ارتباط داشته است. این ارتباطها، دارای ثمرات فراوانی است. یکی از این برکات، حفظ دیگران و از جمله شیعیان امامی، از انواع آسیب‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی است، از این رو، به جهت اهمیتی که امام صادق(ع) برای یاران و اصحاب خود قائل بوده، در برخی موارد با روش رازداری، اهداف خود را دنبال کرده است. در این بخش، تنها به آسیب‌شناسی اجتماعی شیعیان که در سیره معاشرتی امام صادق(ع) و با روش رازداری بوده، پرداخته شده است.

۱. آسیب‌ها

یکی از آسیب‌های اجتماعی در زمان امام صادق(ع)، عدم ظرفیت وجودی افراد برای شنیدن معارف الهی بوده است؛ زیرا ظرف وجودی انسان‌ها با هم یکسان نیست. در همین راستا، امام صادق(ع) به ابن‌ابی‌یعفور فرمود:

«به خاطر حفظ دینتان، تقیه کنید و آن را با تقیه زیر پرده دارید؛ زیرا هرکه تقیه ندارد، ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگان هستید. اگر پرندگان بدانند در درون زنبور عسل چیست، همه آنها را می‌خورند و اگر مردم بدانند آنچه در دل شماست که ما اهل بیت را دوست دارید، شما را با زبان‌شان می‌خورند و در نهان و آشکار ناسزا می‌گویند.» (کلینی، بی‌تا: ۳۰۹/۳)

روشن می‌شود که سیره معاشرتی امام صادق(ع) بر اساس زمان و مکان و شرایط بوده و به همین دلیل، رازداری و تقیه، در سیره معاشرتی ایشان قرار گرفته است؛ زیرا در این زمان، جو سنگینی بر اصحاب خاص حضرت حاکم بوده و مردم ظرفیت نداشتند تا با اصحاب امام(ع) مواجه شوند و چنین امری، برای امام و اصحاب ایشان مشکلات فراوانی را به وجود می‌آورد. مهم‌ترین این مشکلات، از دست دادن دین و سپس جان آنان بود؛ چراکه مردم با شناختن اصحاب، آنان را مورد تهدید و اتهام قرار داده، موجب آزار و نابودی آنها را فراهم می‌کردند.

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی که توسط امام صادق(ع) شناسایی شد، عدم رازداری اصحاب است؛ به عنوان مثال، حضرت خطاب به معلی بن خنیس که یکی از اصحاب و موالیان (طوسی، ۱۴۱۵ق:

۳۱۰) ایشان بوده، سفارش می‌کند که: «چیزی از ما را آشکار نکنید.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: باب ۳۱) ابوبصیر، نمونه دیگری است که مورد توصیه امام(ع) برای رازداری و کتمان سر قرار گرفته است.

در جایی، ابوبصیر از امام صادق(ع) گلایه می‌کند که چرا در این زمان، کسی نیست مانند حضرت علی(ع) که بعضی از اسرار را برای یاران خود بیان کند. امام(ع) فرمود: «در این زمان نیز کسی هست؛ اما تو یک حدیث برای من شاهد بیاور که از من شنیده و کتمان کرده باشی.» ابوبصیر

می‌گوید: «سوگند به خدا! حدیثی نیافتیم که کتمان کرده باشم.» (همان: ۲۵۳/۱۶)

توصیه‌های امام (ع) به این جهت است که اوضاع سیاسی در زمان ایشان، به نحوی بود که فشارهای زیادی در مدینه از طرف عباسیان به امام (ع) وارد گردید؛ به گونه‌ای که امام (ع) تحت کنترل جاسوسان حکومتی قرار داشت و هرکسی به امام (ع) نزدیک می‌شد، مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار می‌گرفت. به همین جهت، حضرت پی به وجود چنین آسیبی برده و به تقیه و رازداری و کتمان سیر اقدام نموده است.

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی در زمان امام صادق (ع)، عدم همزیستی مسالمت‌آمیز بین مسلمانان است؛ به طوری که برخی از اصحاب امام (ع) معاشرت با اهل سنت را ترک کرده و معتقد بودند اگر در برخورد با آنها عقیده خود را بیان کنند، موجب کینه و دشمنی خواهد شد و اگر عقیده خویش را مخفی و تقیه نمایند، خود را مقصر در ادای حق دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۴۰۵/۱-۴۱۰)؛ زیرا اوضاع اجتماعی در این عصر، به گونه‌ای بود که فرقه‌های متعدد با تعصبات نژادی به وجود آمده بودند و این تعدد فرقه‌ها، باعث کمرنگ شدن همبستگی بین مسلمانان گردیده بود (اسد حیدر، ۱۴۲۲: ۱۸۵). امام صادق (ع) نیز در پی همین آسیب، خطاب به هشام بن حکم، یکی از شاگردان و اصحاب خاص خود (نجاشی، ۱۴۱۸ق: ۴۳۳) می‌فرماید:

«در میان مردم نماز بخوانید و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه آنها حاضر شوید. مبدا آنان در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آنها سزاوارترید. به خدا سوگند که پروردگار به چیزی محبوب‌تر از تقیه عبادت نشده است.» (حزّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۹/۱۶)

روشن است که در نگاه امام صادق (ع) همزیستی مسالمت‌آمیز، از مهم‌ترین عوامل در جهت حفظ شیعیان از آسیب‌های اجتماعی است.

آسیب اجتماعی دیگر، عدم حفظ آبروی اصحاب امام صادق (ع) بوده است؛ زیرا حفظ آبروی هر دین و مذهبی، از مهم‌ترین مسائل آن دین است و از میان ادیان و مذاهب اسلامی، مذهب امامیه به جهت اینکه منتسب به ائمه اثناعشر است، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به همین جهت، حفظ آبروی این مذهب توسط خود امامیه، از مهم‌ترین موضوعات آن بوده و در سفارش‌های امام صادق (ع) تأکید فراوانی به آن شده است؛ به عنوان مثال، امام صادق (ع) در روایتی خطاب به هشام کندی می‌فرماید:

«کاری نکنید که ما را به آن سرزنش کنند؛ زیرا به خاطر رفتار بد فرزند، پدرش را سرزنش می‌کنند. برای امام خود زینت باشید و عیب و ننگ او نباشید.» (همان)

و یا در روایت دیگر می‌فرماید:

«ای گروه شیعه! موجب زینت ما باشید؛ نه باعث ملامت و سرزنش ما. با مردم نیکو سخن بگویید و زبانتان را حفظ کنید و آن را از زیاده‌روی و زشت‌گویی بازدارید.» (همان: ۲۱۸)

همچنین، امام صادق(ع) از قول پیامبر نقل می‌کند که فرمود:

«جبرئیل هیچ‌گاه برای موعظه من نیامد، مگر اینکه آخرین سخنش این بود که از درگیری با مردم بپرهیز که باعث کشف عورت و از بین رفتن حرمت آدمی می‌شود.» (همان: ۲۳۹/۱۲)

بر این اساس، روشن می‌شود که علت توصیه امام صادق(ع) به حفظ آبروی امامیه، بدین جهت بوده است که عده‌ای در اجتماع با نسبت دادن خود به شیعیان، خواسته یا ناخواسته در پی تخریب چهره اجتماعی شیعیان بودند و شیعیان را بدنام و منزوی جلوه می‌دادند (صدوق، ۱۳۷۶: ۲۶-۲۷).

برخی نیز با زبان موجب بدنامی یاران و اصحاب امام و یا خود امام می‌شدند. عبدالله بن سلمان می‌گوید: «امام صادق(ع) به من گفت: همواره راز ما پوشیده بود تا آنکه به دست اولاد کیسان افتاد و آن را سر هر راه و ده‌کوره‌ای برده و برملا ساختند.» (کلینی، بی‌تا: ۲۲۳/۲) بنابراین، اهتمام امام صادق(ع) در سیره معاشرتی خود برای شناخت آسیب‌های اجتماعی، بیانگر آثار و پیامدهای خطرناک آن بوده که در پی رفع آن آسیب‌ها، حضرت در سیره معاشرتی خود با راهبرد رازداری، به بایسته‌ها و راهکارها و پیامدها اقدام نمود.

۲. بایسته‌ها

امام صادق(ع) بعد از آنکه آسیب‌های اجتماعی شیعیان را شناسایی نمود، برای رفع چنین آسیب‌هایی، به بایسته‌ها اشاره می‌کند. مراد از بایسته‌ها، آن دسته از دستوراتی است که امام(ع) در قالب التزام عملی برای اصحاب بیان می‌کند. یکی از بایسته‌هایی که امام صادق(ع) به آن می‌پردازد، رعایت رازداری و کتمان سِر است؛ به‌نحوی که بیشترین روایاتی که در این پژوهش از باب‌های موردنظر کتاب وسائل الشیعه در حال بررسی است، به تقیه و رازداری و کتمان سِر تعلق دارد. این بایسته‌ها جهت رازداری و ظرفیت‌سازی اصحاب بیان گردیده است؛ به‌عنوان نمونه، امام(ع) خطاب به معلی بن خنیس، از اصحاب و یاران خاص که قریب هشتاد روایت از او نقل گردیده است (حلی، ۱۳۸۱: ۲۵۹)، تأکید می‌کند که: «امر ما را پنهان کنید و آن را آشکار نسازید.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۶/۲۱۰ و ۲۳۶) در جای دیگر، به طور تلویحی به سلیمان بن خالد می‌فرماید که: «شما بر دین کسی هستید که کتمان می‌کند.» (همان: ۲۴۸ و ۲۵۴) در این روایات، امام(ع) گاهی از فعل امر

و یا از فعل نهی و در مواردی از جملات خبری استعمال می‌کند که در هر صورت، اصحاب را ملزم به این امر می‌نماید؛ زیرا برخی معتقدند صیغه امر نهی در اصل وضعشان، دلالت بر وجوب و حرمت دارند (ر.ک: سید محمدباقر صدر، بحوث فی علم الاصول: ۱۸/۲؛ مظفر، ۱۳۸۷: ۱۱۶). امام صادق (ع) تقیه و کتمان سِر را از راهبردی‌ترین بایسته‌ها برای حفظ اصحاب دانسته است.

برخی معتقدند اگر در روایت لفظ امر نیز نبود و به صورت جملات خبریه بیان شده بود، باز هم دال بر وجوب یا حرمت است؛ زیرا دلالت جملات خبریه بر وجوب، آن قدر واضح است که این عده، دلالت آن را بر وجوب قوی‌تر از دلالت خود صیغه امر بر وجوب دانسته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۹۳/۱). از این رو، به بایسته دیگری که به صورت جمله خبری و در پی همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ آبروی اصحاب بیان شده است، اشاره می‌شود. امام (ع) در روایتی به اصحاب خود سفارش می‌کند که: «با اهل باطل با خوش رفتاری و مدارا رفتار کنید و ظلم و آزار آنها را تحمل نمایید.» (حزّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۷/۱۶) حضرت در این روایت، از لفظ «علیکم» و «ایاکم» به بایسته‌ها پرداخته و اصحاب خود را ملتزم کرد که با اهل باطل برخورد منطقی داشته باشید. اگرچه در این روایت امر وجود ندارد، اما گاهی امر با صیغه خبری بیان شده و با توجه به قرآنی که وجود دارد، از آن امر وجوبی فهمیده می‌شود؛ به عنوان شاهد، عمار بن موسی از امام صادق (ع) در باره مردی پرسید که در حال روزه با زن خود از روی فراموشی هم‌بستر شده بود. امام (ع) فرمود: «او غسل به جای می‌آورد و چیزی بر ذمه ندارد.» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۱۱۸/۲)

بایسته دیگری که امام صادق (ع) به آن می‌پردازد، این است که به اصحاب خود می‌فرماید: «از آوردن نام علی و فاطمه نزد مردم بپرهیزید؛ زیرا آنها یادآوری این را از هر چیز دیگر ناخوش‌تر می‌دانند.» (حزّ عاملی: ۲۳۶/۱۶) از این رو، حضرت در سیره معاشرتی خود، اصحاب را ملزم به برخی از بایسته‌ها نمود که با رعایت آنها بسیاری از آسیب‌ها قابل دفع است.

۳. راهکارها

امام صادق (ع) بعد از آنکه در سیره معاشرتی خود به شناسایی آسیب‌ها پرداخته و بایسته‌هایی را در نظر گرفت، به راهکارهای آن نیز می‌پردازد. حضرت جهت رفتار مسالمت‌آمیز، بهترین راهکار را رازداری و تقیه دانست؛ به عنوان نمونه، در یک روایت فرمود: «مراد خداوند از حسنه در آیه سی و چهارم سوره فصلت، تقیه است و منظور از سیئه، آشکار کردن است (همان) و قول خداوند که

می‌فرماید: «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ»^۱، [مراد از] «أَحْسَنُ» همان تقیه است و زمانی که بین شما و دیگری دشمنی وجود دارد، تقیه شمارا یاری می‌کند. (حزّ عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۰۷/۱۶)

همچنین، حضرت در روایت دیگر، مجامله و برخورد نیکو را جهت رفتار مسالمت‌آمیز ارائه می‌دهد (همان: ۲۰۶)؛ زیرا مجامله، از باب مفاعله و برای امور طرفینی استعمال می‌شود؛ اما گاهی نیز در باب تفعیل استعمال می‌گردد و در این روایت، به معنای تجمیل است. حال، وقتی امام(ع) اصحاب خود را به مجامله با اهل باطل توصیه کرد، همچنین آنان را سفارش نمود که با مؤمنان و حتی مردم عادی و مسلمانان دیگر، باید چنین رفتار کنند. نکته دیگر این روایت، آن است که سفارش امام(ع) به مجامله با اهل باطل، از باب اخلاق پسندیده نیست؛ زیرا اهل باطل پایبند به اخلاق نیک نیستند؛ بلکه از باب دفع بدی به واسطه نیکی است؛ چراکه امام(ع) در چندین روایت با مضامین گوناگون، به این موضوع اشاره نمود و اصحاب را به آن الزام کرد.

راهکار امام صادق(ع) برای التزام بیشتر اصحاب به همزیستی مسالمت‌آمیز، روش برخورد و تقیه خود ایشان به‌عنوان الگوهی است؛ چنان‌که وقتی یکی از یاران امام از حضرت پرسید: ما شیعیان در معاشرت با اقوام و عشیره خود و سایر طبقات مردم که در سلک مذهب ما نیستند، چه وظیفه‌ای داریم؟ ایشان جواب داد: «به رهبران خود بنگرید که مقتدای شما هستند و با مردم همان‌گونه معاشرت کنید که رهبران شما معاشرت می‌کنند. به خدا سوگند که رهبران شما از بیماران مردم عیادت می‌کنند، جنازه‌هایشان را تشییع می‌کنند، در محضر قضاتشان حاضر می‌شوند و به سود و ضرر آنها گواهی می‌دهند و امانت آنان را نگهداری می‌کنند و باز پس می‌دهند.» (همان: ۶/۱۲)

رفتار مسالمت‌آمیز امام(ع) با اهل سنت، به‌گونه‌ای بوده است که آنان احساس نمی‌کردند با شخصیتی روبه‌رو هستند که ریاست مذهب مخالف آنها را به عهده دارد؛ به حدی که شیفته امام می‌شدند و در منزل امام رفت‌وآمد داشتند. مالک بن انس می‌گوید: مدتی به حضور جعفر بن محمد می‌رسیدم. آن حضرت اهل مزاح بود و همواره تبسم ملایمی بر لب‌هایش نمایان بود و در طول مدتی که به خانه حضرت رفت‌وآمد داشتیم، او رانیدیم، جز آنکه در حال نماز و یا در حال روزه و یا در حال قرائت قرآن بود و من ندیدم که حضرت بدون وضو و طهارت، از رسول خدا حدیثی نقل کند و ندیدم سخنی بی‌فایده بگوید. او از عالمان زاهدی بود که از خدا خوف داشت و ترس از خدا سرتاسر وجودش را گرفته، هر گز نشد که به محضرش شرفیاب شوم، جز اینکه زیراندازی که زیر پای آن حضرت

۱. «بدی را به بهترین راه و روش، دفع کن.»

گسترده بود، آن را از زیر پایش برمی داشت و زیر پای من می گستراند (قاضی عیاض، بی تا: ۵۵/۱).

سفارش به رازداری در کلام حضرت، دارای چندین مؤلفه است:

اول اینکه شما به عنوان اصحاب جعفر بن محمد معاشرت کنید.

دوم آنکه معاشرت، رابطه ای اجتماعی و بین مذاهبی بوده است.

سوم اینکه معاشرت، همه جانبه بوده است؛ مثل معاشرت در نماز جماعت ها و عبادت ها؛ زیرا مسجد اجتماعی ترین محل بوده و از نظر اسلام دارای اهمیت است و از سوی دیگر، معاشرت در تمام امور روزمره شادی، غم، تشییع جنازه و غیره فرقی ندارد و هدف امام از این نوع تقیه، همزیستی مسالمت آمیز و وحدت بین امت بوده است.

راهکار امام صادق (ع) جهت دفع ناسزاگویی های مخالفان به حضرت علی (ع) از زبان ابن مسکان این است که می گوید: روزی امام صادق (ع) به من فرمود: «چنین گمان می کنم که اگر کسی نزد تو به حضرت علی (ع) ناسزا بگوید، اگر بتوانی بینی شخص را بخوری، این کار را خواهی کرد!» گفتم: جانم به فدایت! آری، به خدا سوگند که من و خاندانم این گونه هستیم. حضرت فرمود: «این کار را نکن. گاه من از کسی می شنوم که به حضرت علی (ع) ناسزا می گوید؛ درحالی که میان من و او تنها یک ستون فاصله است. من پشت آن ستون مخفی می شوم و مشغول نماز می گردم. هنگامی که از نماز فارغ شدم، می روم و از کنار آن مرد می گذرم و به او دست می دهم و سلام می کنم.» (برقی، ۱۳۷۱: ۳۱۳/۱)

از این رو، امام صادق (ع) تقیه و مدارا با دشمنان خدا را از برترین صدقه های انسان برای حفظ خود و برادرانش دانسته است و نتیجه عالی مدارا را چنین بیان می فرماید: «کسی که با مردم مدارا کند و از برخورد شدید با مردم دوری گزیند، در حقیقت، او تنها یک دست (نفر) را از آزار مردم دور داشته؛ اما دست های (افراد) فراوانی را از اذیت و آزار خود باز داشته است.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۵: ۳۰۱)

از این روایات روشن می شود که حضرت علاوه بر اینکه به راهکارهای حفظ اصحاب از انواع آسیب ها اقدام نمود، برای حفظ جان خود نیز اقدام کرده است؛ چراکه هرگونه تهدید برای امام (ع)، آسیب برای اصحاب نیز بوده است. حماد بن واقد لحام کوفی گوید: با ابوعبدالله صادق (ع) در راه مواجه شدم؛ اما روی خود را بازگردانده و رفتم. سپس، روزی به خدمت او شرفیاب شدم و گفتم: قربانت گردم! من با شما مواجه می شوم؛ اما روی خود را بازمی گردانم و می روم؛ مبادا مایه گرفتاری و سختی شما گردم. ابوعبدالله (ع) گفت: «خدایت رحمت کند؛ ولی دیروز در فلان جا مردی مرا دید و گفت: علیک السلام یا اباعبدالله! او کار شایسته ای نکرد.» (کلینی، ۱۴۰۹: ۲۱۹/۲)

حضرت در روایات مختلف و با مضامین گوناگون و به طور مکرر به تقیه توصیه نموده و آن را از بهترین راهکارها جهت حفظ جان و دین و ایمان و دفع بدی و همزیستی مسالمت‌آمیز دانسته است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۰/۱۶، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۵۰ و ۲۵۳).

اقدام دیگر امام صادق(ع) در سیره معاشرتی خود در جهت حفظ شیعیان، لعن آنان از روی تقیه است (همان: ۱۸۵-۱۸۶/۸)؛ به‌عنوان نمونه، حضرت زراره را در میان جمعی مورد مذمت و لعن قرار داد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۸) و در جای دیگر، امام صادق(ع) به عبدالله فرزند زراره می‌فرماید: «سلام مرا به پدرت برسان و بگو اینکه من از تو بدگویی کردم، به جهت دفاع از تو بوده است؛ زیرا مردم و دشمنان هرگاه بدانند ما کسی را دوست داریم و خوبی او را می‌گوییم، به‌سرعت به اذیت و آزار او اقدام می‌نمایند.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۵-۱۸۶/۸، ح ۱۱)

تدبیر دیگر امام صادق(ع)، بیان احکام و معارف الهی به گونه‌های مختلف است که با این کار، ائمه بین اصحاب خود ایجاد اختلاف کردند تا شیعه به‌عنوان یک جمعیت مشخص از سوی دشمنان شناخته نشوند. در این باره زراره می‌گوید: مسئله‌ای از امام باقر(ع) پرسیدم و حضرت پاسخ داد. سپس، مرد دیگری آمد و همان سؤال را پرسید و حضرت پاسخ دیگری داد. همچنین، مرد دومی آمد و امام(ع) پاسخی متفاوت از دو پاسخ قبلی داد. زراره در این هنگام تاب نیاورد و از امام باقر(ع) سؤال کرد که دو نفر از عراق آمده و از شما یک سؤال پرسیدند؛ ولی شما جواب‌های متفاوت دادید؟ امام(ع) در پاسخ فرمود: «ای زراره! چنین عملی برای ما بهتر است و موجب بقای شما (شیعیان) خواهد شد و اگر شما همگی یک سخن بگویید و اختلافی نداشته باشید، مردم شما را تصدیق کرده و این به ضرر ما و شما خواهد بود و برای بقای ما و شما، خطرناک‌تر است.» زراره در ادامه این روایت می‌گوید: همین مسئله را در نزد امام صادق(ع) مطرح نمودم و این جواب‌های متفاوت را دلیل جدایی شیعیان از امام(ع) دانستم؛ ولی امام صادق(ع) جوابی همانند جواب پدرشان به من داد (کلینی، بی‌تا: ۶۵/۱).

بنابراین، از آنچه بیان گردید روشن می‌شود که رازداری و تقیه برای حفظ شیعیان، از جایگاه بالایی برخوردار بوده است.

۴. آثار و پیامدها

چنان‌که بیان شد، یکی از آسیب‌های اجتماعی که در زمان امام صادق(ع) جان و آبروی شیعیان را تهدید می‌کرد، عدم ظرفیت اصحاب حضرت بود. از همین رو، امام صادق(ع) در خطاب خود به

ابن ابی‌یعفور^۱ به این آثار اشاره کرد و فرمود:

«به خاطر حفظ دینتان تقیه کنید و آن را با تقیه زیر پرده دارید؛ زیرا هرکه تقیه ندارد، ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگان هستید. اگر پرندگان بدانند در درون زنبور عسل چیست، همه آنها را می‌خورند و اگر مردم بدانند آنچه در دل شماست که ما اهل بیت را دوست دارید، شما را با زبانشان می‌خورند و در نهان و آشکار ناسزا می‌گویند (از شما سعایت و سخن چینی کنند و به شما تهمت زند تا گرفتار زندان و شکنجه و اعدام شوید).» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۵/۱۶)

روشن شد که یکی از آثار مهم عدم ظرفیت اصحاب، در خطر افتادن جان آنان بوده و علاوه بر اینکه امام (ع) آثار را به آنان گوشزد کرد، خود نیز معارف الهی را برای همگان به شکل یکسان بیان نکرد. به همین جهت، عدم بیان معارف و کتمان ماندن بسیاری از مسائل، اثر دیگری است که بر عدم ظرفیت اصحاب مترتب شد تا جایی که برخی از اصحاب آن حضرت، مانند عبدالله بن سنان، به امام (ع) گلایه کرد که چرا برخی از معارف را برای ذریع محاربی بیان کرد؛ ولی از عبدالله پنهان نمود. امام (ع) در پاسخ عبدالله فرمود: «چه کسی می‌تواند آنچه را که ذریع تحمل می‌کند، تحمل نماید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۵۳/۱۰، ح ۴) همان طوری که امام سجاد (ع) فرمود: «اگر ابوذر آنچه را در قلب سلمان بود می‌دانست، او را می‌کشت؛ درحالی که پیامبر اکرم (ص) بین آن دو، عقد اخوت و برادری بسته بود.» (همان: ۱۹۰/۲، ح ۲۵)

بنابراین، روش رازداری امام صادق (ع) در سیره معاشرتی خود، تأثیر بسزایی در حفظ جان شیعیان داشت؛ چنان که در مورد معلی بن خنیس اتفاق افتاد (شیخ مفید، ۱۳۸۰: ۱۸۴/۲-۱۸۵). همچنین، اقدام اساسی آن حضرت در مورد زراره، بسیار در حفظ جان وی مؤثر بود؛ چراکه زراره یکی از برجسته‌ترین یاران و راویان امام صادق (ع) بود که بیش از دو هزار و نود و چهار روایت از طریق او به ما رسیده است (باقری بیدهندی، ش ۹). تلاش امام برای حفظ شیعیان، به این جهت است که اگر در زمان امام (ع) امکان انتشار احادیث و معارف وجود ندارد، این روایات به واسطه شیعیان حفظ گردیده و در زمان‌های بعد، برای شیعیان و نسل‌های دیگر بیان گردد.

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی اصحاب امام صادق (ع)، عدم رازداری است؛ زیرا عدم توجه به آن، موجب تهدید جان اصحاب گردیده و حتی به کشته شدن آنان منجر می‌شد؛ چنان که امام (ع) معلی بن خنیس را امر به کتمان و رازداری نمود و در موارد مختلفی به او گوشزد کرده بود که احادیث

۱. از اصحاب خاص که بسیار در نزد حضرت محبوب بوده و حضرت از او رضایت داشته است. (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۸/۲)

را برای ناهلان بازگو نکند (حرّ عاملی: ۲۰۷/۱۶ و ۲۱۰)؛ چراکه مخالفان در پی شناسایی اصحاب خاص امام بودند تا آنان را از بین ببرند و همین امر، باعث قتل معلی به دست فرماندار مدینه، داوود بن علی شد؛ زیرا از معلی خواست تا نام اصحاب خاص امام را بگوید؛ ولی او امتناع نمود و بدین جهت، کشته شد (طوسی: ۲۱۰؛ شیخ مفید: ۱۸۴/۲-۱۸۵). گرچه به نظر برخی علت قتل معلا، همدستی و همراهی و حمایت مالی و سیاسی او از نفس زکیه بوده است (مجلسی: ۱۲۷)؛ اما با پذیرش نظریه اول، می‌توان از توصیه و تأکید امام پی برد که حضرت به دنبال دفع چنین آسیب‌هایی بوده که در عمل، حفظ جان اصحاب را به دنبال داشته است.

اما آشکار نمودن اسرار علاوه بر اینکه به کشته شدن اصحاب می‌انجامد، پیامدهای دیگری نیز داشت؛ چراکه امام صادق (ع) فرمود: «کسی که اسرار ما را کتمان کند، خدا او را عزیز کرده و وارد بهشت می‌کند؛ ولی کسی که اسرار ما را آشکار کند، خدا او را ذلیل نموده و وارد جهنم می‌گرداند.» سپس، امام (ع) فرمود: «کسی که راز ما فاش نماید، همچون کسی است که بر روی ما شمشیر کشیده است.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۶/۲۱۰، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۵۰ و ۲۵۳)

رازداری اصحاب در نزد امام صادق (ع)، از چنان جایگاهی برخوردار است که امام بارها با لفظ اذاعه (آشکار کردن) در قالب تعابیر مختلف، به پیامدهای آن اشاره کرد. امام (ع) در روایتی می‌فرماید: «کسی که روزش را به فاش کردن راز ما آغاز کند، خداوند داغی آهن و تنگنای زندان‌ها را بر او چیره خواهد کرد.» (همان: ۲۴۷) به فرموده امام (ع): «کسی که چنین عملی را مرتکب شود، خداوند ایمان را از او خواهد گرفت.» (همان: ۲۵۰) و حتی فرموده‌اند که از دین، خارج است (همان: ۲۵۳) و یا در روایت دیگر می‌فرماید: «کسی سزّ ما را فاش کند، او در ما شک داشته و اگر نزد ناهلان بیان کند، کافر است؛ اما کسی که به عروۃ الوثقی چنگ بزند، اهل نجات است.» وقتی سؤال شد: آنان چه کسانی هستند؟ امام (ع) فرمود: «کسانی که در برابر دستورات و فرامین تسلیم هستند.» (همان: ۲۵۰) همچنین، کسی که رازدار باشد، مثل فردی است که در راه خدا می‌جنگد (همان)؛ اما افرادی که این گونه نیستند، به‌طور عمدی، ما را به قتل رسانده‌اند (همان: ۲۵۱-۲۵۲). به نظر امام صادق (ع)، رنج و زحمت چنین کسانی، از سختی و زحمت دشمن بیشتر است (همان: ۲۵۲). مطابق از بیانات امام، روشن شد که تنها عدم رازداری می‌تواند آثار زیانبار و آسیب‌هایی همچون: جنگ با خدا، شک در اهل بیت، جنگ با آنان و کشتن آنها از روی عمد، ورود به جهنم، چشیدن داغی آهن و تنگنای زندان، کفر و خروج از دین و ایمان و از بین رفتن عزت را در پی داشته باشد.

یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی که امام صادق (ع) آن را شناسایی نمود، عدم همزیستی

مسالمت‌آمیز است؛ چراکه آثار همزیستی مسالمت‌آمیز، وحدت بین مسلمانان و جذب قلوب یکدیگر، عدم نفوذ دشمنان در میان آنان و عدم حساسیت میان آنها، حفظ و تداوم جامعه شیعی از خطرات احتمالی مخالفان و حکومت‌ها و گسترش معارف اصیل امامان در جامعه است. امام (ع) در روایتی به آثار همزیستی مسالمت‌آمیز این‌طور پرداخته است که: «خدا بنده‌ای را رحمت کند که دوستی مردم را (به‌واسطه حُسن معاشرت و صحت روش) به خود جلب نماید و سپس، در حدود فهم و درک آنها نقل احادیث نموده و از نقل اموری که مورد انکار آنهاست، خودداری کند.» (همان: باب ۲۶، ص ۷۸؛ همان: کتاب حج، باب ۱ از ابواب احکام العشرة) اگر امام صادق (ع) به هشام کندی توصیه کرد: «در میان مردم نماز بخوانید و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه آنها حاضر شوید و مبادا آنها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آنان سزاوارترید» (کلینی، بی‌تا: ۳/۳۱۱)، به جهت این است که چنین رفتاری، اثر عمیقی را در دل آنان ایجاد می‌کند.

مرحوم آقای خوئی نیز معتقد است که این‌گونه دستورات از امام (ع)، به جهت خوف از ضرر نبوده؛ بلکه برای رعایت مصلحت و اتحاد میان مسلمانان است؛ چراکه در آن عصر، یاران امام صادق (ع) به تشیع معروف بودند و دستور امام به شرکت در نماز آنان، به جهت شناخته نشدن اصحاب نبوده است؛ بلکه برای مؤدب کردن آنها به اخلاق نیکو بوده تا با این رفتار، اصحاب و یاران امام با اوصاف زیبا و به‌دوراز تعصب و عناد و لجاجت ممتاز شده و متخلق به اخلاق شایسته شیعه بودن شوند تا گفته شود خدا رحمت کند جعفر را چه اصحاب خوبی تربیت کرده است (خوئی، بی‌تا: ۴/۳۱۶).

همچنین، قلمرو تقیه اجتماعی جهت ایجاد همبستگی و وحدت در جامعه مسلمانان، به موازات وسعت مصلحتی است که در جامعه بر آن مترتب می‌شود. از این‌رو، تقیه مداراتی، یک فعالیت پویاست که از ضرر تفرقه جلوگیری می‌کند و تلاش می‌نماید به اسلام آبرو دهد و برای پیشبرد اهداف بزرگی است که به نفع همه خواهد بود. به همین دلیل، ممکن است با ترک این نوع تقیه، ضرری متوجه خود فرد نباشد؛ اما با این حرکت، موجب تغییر در آیین و برنامه اسلامی گردیده که سود و نفع آن، برای وی قابل لمس نیست؛ اما در سطح کلان تأثیرگذار خواهد بود (صفری، ۱۳۹۴: ۵۲).

در مورد پیامد همزیستی مسالمت‌آمیز، امام خمینی (ره) نیز وقتی تقیه را به: مداراتی، کتمانیه و خوفیه تقسیم می‌کند، می‌گوید: مراد از تقیه مداراتی، این است که خواسته اصلی در آن، خود وحدت کلمه و اتحاد بین مسلمانان بر اساس دوستی با مخالفان، و جلب محبت آنهاست؛ بدون آنکه خوف از ضرر مطرح باشد؛ آن‌گونه که این شرط، در تقیه خوفیه است (خمینی، بی‌تا: ۲/۱۷۴-۱۸۰). به همین جهت، وقتی از امام خمینی (ره) در مورد اقامه نماز جماعتی که جداگانه و به‌صورت محرمانه از

اهل سنت برگزار گردد، سؤال می‌کنند، آن را اجازه نداده و چنین کاری را خلاف تقیه شمرده و به هیچ وجه، جایز نمی‌داند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۴: ۲۶۹/۱).

بنابراین، توصیه امام صادق(ع) در سیره معاشرتی، آن هم در قالب تقیه، به جهت درمان تفرقه و ایجاد وحدت بین مسلمانان و در مسیر حفظ شیعیان بوده است. اگر چنین تقیه‌ای اتفاق نمی‌افتاد، مسلمانان دچار پراکندگی شده و وحدت کلمه بین آنان از بین رفته و موجب سربلندی و پیروزی مسلمانان در جامعه بین‌المللی و خارج شدن از سلطه بیگانگان نمی‌شد و همچنین، عظمت امت اسلامی از بین می‌رفت و تبدیل به یک قدرت ضعیف می‌گشت. تقیه اجتماعی، به این دلیل وضع شده است که مذهب حق باقی بماند و اگر تقیه نبود، این اقلیت دینی در طول تاریخ در میان اکثریت باطل بارها در معرض زوال و نابودی قرار می‌گرفت (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۷/۲). به همین جهت، امام(ع) با توجه به فضای سیاسی، با سیره معاشرتی خود و با راهبرد تقیه و رازداری، در پی حفظ شیعیان از آسیب‌ها بوده است. اگر امام صادق(ع) آسیب‌شناسی از شیعیان نکرده بود و از طرف دیگر، تلاش برای حفظ آنان نمی‌کرد، اکنون جمعیت شیعه در حدّ اندکی قرار داشت؛ زیرا در این دوره، شیعیان بسیار کم بودند و دشمن نیز در پی نابودی آنان بود و این تدبیر امام صادق(ع) است که شیعه را حفظ نمود و باعث شد که امروز شیعه به‌عنوان دین رسمی شناخته شود و ندای اسلام راستین و اصیل را سر دهد.

نتیجه

یکی از اهداف سیره معاشرتی امام صادق (ع)، حفظ شیعیان بوده است؛ اما در برخی مواقع، حضرت قادر نبوده به طور آشکارا به حفظ و هدایت و رهبری آنان بپردازد. به همین جهت، از راهبرد رازداری که در بخشی از سیره معاشرتی ایشان بوده، استفاده نموده است. حضرت ابتدا آسیب‌های اجتماعی و مشکلات اصحاب را که عبارت از: عدم همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران، عدم وحدت و برادری بین مسلمانان، عدم حفظ آبروی اصحاب، عدم رازداری و عدم ظرفیت آنان در شنیدن معارف الهی بود، شناسایی نمود و سپس، به وسیله رازداری و تقیه و کتمان سر، به رفع این آسیب‌ها اقدام کرد. یکی از اقدامات حضرت در سیره معاشرتی، ملزم کردن اصحاب به برخی از بایسته‌ها بوده است. ایشان در جهت وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ آبروی اصحاب، آنان را به رازداری و تقیه و شرکت در مراسم عبادی، سیاسی و اجتماعی دیگران، و همچنین خوش رفتاری و مدارا و تحمل ظلم اهل باطل ملزم نموده و رازداری را از مهم‌ترین بایسته‌ها دانسته است.

اقدام دیگر امام صادق (ع) در جهت رفع آسیب‌های اجتماعی، ارائه راهکار بوده است. حضرت رازداری و تقیه و برخورد نیکو و حسن معاشرت و مدارا با مردم، و همچنین شرکت در مراسم عبادی و اجتماعی و شادی و غم‌ها و به عبارت دیگر ارتباط همه‌جانبه را از بهترین و مهم‌ترین راهکارهای همزیستی مسالمت‌آمیز بیان کرده است. امام (ع) برای رازداری و ظرفیت‌سازی اصحاب، آنان را به رعایت تقیه و کتمان سر توصیه کرد و حفظ زبان را از راهکارهای آن عنوان نمود. اقدام دیگر سیره معاشرتی امام صادق (ع)، بیان آثار و پیامدهای آسیب‌های اجتماعی بوده است. حضرت آثار عدم همزیستی مسالمت‌آمیز را موجب ضرر و زیان و پراکندگی مسلمانان و تضعیف قدرت آنان در برابر قدرت‌های سلطه و از دست رفتن عظمت امت‌های اسلامی دانسته و آثار عدم رازداری و عدم ظرفیت اصحاب را موجب از دست رفتن جان و آبروی اصحاب و باعث کتمان ماندن بسیاری از معارف الهی برشمرده است. همچنین، وجود آسیب‌ها موجب ذلت و خواری انسان و ورود وی به جهنم و به مثابه شمشیر کشیدن بر امام (ع) و عامل زحمت ایشان و حتی موجب قتل او از روی عمد خواهد بود.

بنابراین، رازداری از مهم‌ترین راهبردهای سیره معاشرتی حضرت برای حفظ شیعیان بوده و اگر امام راهی جز این انتخاب می‌کرد، آن همه دانش‌ها و فضیلت‌ها را نمی‌توانست انتشار دهد و از سوی دیگر، مقام و منزلت اهل بیت (ع) ناشناخته باقی می‌ماند و حقایق قرآنی و علوم دینی زیر ابرهای تیره پنهان می‌گشت و بشریت از این معارف بلند محروم شده و فرهنگ اسلامی تا این حد رشد نمی‌کرد؛

درحالی که با رازداری و تقیه می‌توان حتی با کافران ارتباط مسالمت‌آمیز داشت و آنان را با آموزه‌های اسلامی آشنا کرد و فرهنگ اسلامی را نشر داد و شکی نیست که سفارش امام(ع) به تقیه با مخالفان، زمانی بوده که شیعه در اقلیت و امکانات محدود بوده است و اگر آن جمیعت اندک هم در اثر بی‌باکی و ترک محافظه‌کاری از بین می‌رفت، اکنون به این اندازه از اهل‌بیت(ع) و دانش‌هایشان و این همه احادیث و معارف خبری نبود؛ اما امروزه در جهان شاهد دگرگونی و رشد و اعتلای فرهنگ اسلامی بوده، به گونه‌ای که تقریباً مذهب شیعه سروسامان یافته و کتاب‌های مختلف آنان در دنیا منتشر شده است و کمتر کسی یافت می‌شود که بگوید مذهب امامیه را نمی‌شناسم و از اصول فکری و اعتقادی آنان اطلاعی ندارم. باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از این دگرگونی‌ها، در سایه تقیه و رازداری بوده است.



منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ق، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، مصصح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۳. ابی الحدید، عبد الحمید، ۱۳۷۷، شرح نهج البلاغة، به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبة آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۷۷، خصال، تهران، کتابچی.
۵. —، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصصح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. —، ۱۳۷۶، امالی، تهران، کتابچی.
۷. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، تحقیق: علی شبیری، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۲، سیره پیشوایان، چاپ یازدهم، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۹. تهرانی، علی، ۱۳۵۴ش، تقیّه در اسلام، مشهد، چاپ فیروزیان.
۱۰. جانشین سردبیر، ۱۳۹۱، «فضای صدور»، علوم حدیث، زمستان، ش ۶۶.
۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، چاپ دهم، قم، انتشارات انصاریان.
۱۲. جعفری هرنندی، محمد، ۱۳۹۳، «ملاک و چگونگی به کارگیری تقیه در دوره حضور معصومان (علیهم السلام)»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، بهار، ش ۳۵.
۱۳. جعفری، محمد حسین، ۱۳۸۲، تشیع در مسیر تاریخ، تهران، دفتر نشر اسلامی.
۱۴. حیدر، اسد، ۱۴۲۲ق، امام صادق و مذاهب چهارگانه، مترجم: حسن یوسفی اشکوری، بیروت، دار التعارف.
۱۵. خوئی، سید محمد تقی، ۱۴۰۹ق، مبانی العروة الوثقی (تقریرات درس سید ابوالقاسم خوئی)، چاپ اول، قم، مدرسه دار العلم.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ش، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، قم، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة.

۱۷. خمینی، سید روح‌الله، بی‌تا، الرسائل العشرة، قم، اسماعیلیان.
۱۸. —، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، انتشارات عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷، لغت‌نامه، زیر نظر: محمد معین، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
۲۰. داوری، شیخ مسلم، ۱۳۹۵، التقیة فی فقه اهل‌البيت، مترجم: محمدعلی صالح‌المعلم، چاپ اول، قم، دار زین‌العابدین.
۲۱. دشتی، محمد (مترجم)، ۱۳۸۵، نهج‌البلاغه، چاپ اول، قم، نشر بیت‌الأحزان.
۲۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن‌بن‌محمد، بی‌تا، مفردات فی غریب القرآن، تحقیق: سید گیلانی، تهران، المكتبة المرتضوية.
۲۳. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۸ش، الوسيط فی اصول الفقه، قم، مؤسسه امام صادق(ع).
۲۴. شیخ مفید، ۱۳۸۰ش، ارشاد، مترجم: محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیه.
۲۵. —، ۱۳۷۱ق، شرح عقائد الصدوق او تصحیح الاعتقاد (ضمیمه اوائل المقالات)، تصحیح و تعلیق: عباسقلی واعظ چرندابی، چاپ دوم، تبریز.
۲۶. فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، نضد القواعد الفقهية علی مذهب الامامية، تحقیق: سید عبداللطیف کوه‌کمره‌ای، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۷. شیخ حرّ عاملی، محمدبن‌حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسة آل‌البيت(علیهم‌السلام)، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسة آل‌البيت(علیهم‌السلام).
۲۸. شریف قرشی، باقر، ۱۴۱۳ق، حیات امام موسی‌بن‌جعفر، بیروت، دار‌البلاغه.
۲۹. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۱۷ق، بحوث فی علم الأصول، مقرر: سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرة‌المعارف فقه اسلامی.
۳۰. صفری فروشانی، نعمت‌الله، ۱۳۷۸، غالیان، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۱. —، ۱۳۹۴، نقش تقیه در استنباط، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
۳۲. طوسی، محمدبن‌حسن، ۱۳۸۸، امالی، قم، اندیشه هادی.
۳۳. —، ۱۴۱۵ق، رجال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۳۴. —، ۱۴۱۱ق، الغیبة، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۳۵. عاملی جزینی دمشقی، ابوعبدالله شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین مکی (شهید اول)، القواعد والفوائد فی الفقه والاصول والعربیة، تحقیق: سید عبدالهادی حکیم، قم، مکتبه المفید.
۳۶. عالمی دامغانی، ۱۳۷۱، شاگردان مکتب ائمه، قم، صاحب اثر.
۳۷. علامه مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، مصصح: جمعی از محققین، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. —، زندگانی امام محمدباقر و امام صادق (علیهما السلام)، مترجم: موسی خسروی، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.
۳۹. عبدالحلیم الجندی، ۱۳۹۷ق، الامام جعفر الصادق (ع)، قاهره.
۴۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۱، ترتیب خلاصة اللقوال فی معرفة علم الرجال، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴۱. عراقی عبدالنبی، ۱۳۶۴ق، رسالة اعلام العامة فی الصحة الحج مع العامة، نجف، مطبعة الغری.
۴۲. عباسی جامد، مسعود، ۱۳۸۶ش، «تقیه در قرآن کریم و کلام معصومین»، کوثر، تابستان، ش ۲۴.
۴۳. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
۴۴. عمیدی، ثامر هاشم حبیب، ۱۴۱۶ق، واقع التقیة عند المذاهب والفرق الاسلامیة، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
۴۵. فاضل لنکرانی، محمدجواد، ۱۳۷۴، رسالة فی التقیة، قم، کنگره جهانی بزرگداشت دوستمین سالگرد شیخ انصاری.
۴۶. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۱۶ق، قواعد الفقهیة، چاپ اول، قم.
۴۷. فتحی‌نیا، ۱۳۸۸، «نگاهی تاریخی به تقیه مداراتی»، میقات حج، بهار، ش ۶۷.
۴۸. فیاض، محمدصادق، ۱۳۸۶، «با دیگران مدارا؛ بررسی تقیه مداراتی، یکی از راهکارهای انسجام اسلامی در فقه شیعه»، فلسفه و کلام، سفیر نور، زمستان، ش ۴.
۴۹. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، بی‌تا، اصول الکافی، چاپ اول، قم، انتشارات دار الحدیث للطباعة والنشر.

۵۱. —، ۱۳۶۹ش، اصول الکافی، ترجمه: مصطفوی، چاپ اول، تهران، نشر کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۵۲. کشی، محمدبن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشي (إختیار معرفة الرجال)، چاپ اول، مشهد.
۵۳. کرکی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ق، رسائل المحقق کرکی، تحقیق: محمد حسون، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵۴. کاشف الغطاء، جعفر، بی تا، کشف الغطاء، چاپ سنگی، بی جا، بی نا.
۵۵. مامقانی، عبدالله، ۱۳۸۹، تنقیح المقال، محقق: محمدرضا مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵۶. مبلغی، احمد، ۱۳۷۹، «کاوشی در مواضع فرهنگی امام صادق(ع)»، فرهنگ کوثر، شهریور، ش ۴۲.
۵۷. مظفر، محمدحسین، ۱۴۲۱ق، الإمام لصادق(ع)، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۵۸. مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۷ش، اصول الفقه، قم، بوستان کتاب.
۵۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۸ش، منتخب میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۳، القواعد الفقهیة، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب.
۶۱. — و دیگران، ۱۳۷۵ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۶۲. مطیع، حسین، ۱۳۸۶، «تقیه در قرآن کریم و نقش آن در انسجام اسلامی»، کوثر، زمستان، ش ۲۶.
۶۳. معین، محمد، ۱۳۶۴، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۶۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲ش، یادداشت های استاد مطهری، قم، انتشارات صدرا.
۶۵. مفید، محمدبن نعمان، ۱۴۱۴ق، الاختصاص، بی جا، دار المفید.
۶۶. منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۸۶، تاریخ امامت، قم، دفتر نشر معارف.
۶۷. نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی بن احمدبن عباس، ۱۴۱۸ق، رجال، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۶۸. نوبختی، حسن بن موسی، ۱۳۶۱، فرق الشیعه، مترجم: محمدجواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۹. ولایی، عیسی، ۱۳۸۷ش، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی.

۷۰. همایون مصباح، سید حسین، ۱۳۹۳، «تقیه؛ راهبرد اصلاحی و صیانت از حق»، پژوهشنامه کلام، پاییز و زمستان، ش ۱.
۷۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.
۷۲. یافعی، عبدالله بن أسعد، ۱۴۱۷ق، مرآة الجنان، محقق: خلیل منصور، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۷۳. یحصبی، قاضی ابی الفضل عیاض، بی تا، ترتیب المدارک و تقریب المسالک، تصحیح: احمد بکیر محمود، بیروت، منشورات دار المکتبة الحیة.

